

نظر ۹ اقتصاددان برجسته درباره اقتصاد پسا کرونا



خطر واقعی این است که تغییرات ارگانیکی و شخصی (دور شدن مردم از شرایط جهانی شدن) توسط برخی سیاستگذاران که از ترس از مرزهای آزاد سوءاستفاده میکنند، مورد بهره‌برداری سیاسی قرار گیرد.

به گزارش اعتدال آذربایجان، نشریه فارن پالیسی در گزارشی، نظر ۹ اقتصاددان برجسته بین‌المللی درباره وضعیت اقتصادی جهان در پسا کرونا را منتشر کرده است که در ادامه می‌خوانید:

جوزف ای استیگلیتز: اقتصاددانان عادت داشتند که مرزبندی کشورها را برای پیگیری سیاست‌های امنیت غذایی یا انرژی به سخره و نادیده بگیرند. آن‌ها معتقدند در دنیای جهانی شده که مرزها اهمیتی ندارند اگر اتفاقی افتاد همیشه می‌توانیم به کشورهای دیگر متوسل شویم. اکنون به طور ناگهانی مرزها از اهمیت برخوردارند، زیرا کشورها برای تهیه منابع خود تلاش می‌کنند. این بحران یادآور قدرتمندی است مبنی بر اینکه واحد اساسی سیاسی و اقتصادی هنوز دولت-ملت است. با این وجود، باید اعتراف کنیم برای ساختن زنجیره‌های تأمین به ظاهر کارآمد، دچار کوته بینی شده و سیستمی را ساختیم که کاملاً انعطاف ناپذیر و به طور مکفی متنوع نبوده و در مقابل وقفه آسیب‌پذیر است. در نتیجه شاهد هستیم که این سیستم توسط اختلالی غیرمنتظره خرد شده است. سیستم اقتصادی که ما بعد از این عالم‌گیری ایجاد می‌کنیم باید نسبت به این واقعیت که جهانی‌سازی اقتصادی از جهانی سازی سیاسی بسیار فراتر رفته مقاومتر و حساستر باشد. تا زمانی که این امر رخ دهد کشورها باید برای به دست آوردن توازن بهتر بین بهره از جهانی‌سازی و خوداتکایی تلاش کنند.

*دریچه‌ای برای تغییر در شرایط جنگی

رابرت جی شیلر: تغییرات اساسی اغلب در شرایط جنگ رخ می‌دهد. اگرچه دشمن کنونی ویروس است و یک قدرت خارجی نیست، اما عالم‌گیری این ویروس، فضایی را ایجاد کرده که امکان تغییرات در این شرایط امکان پذیر به نظر می‌رسد. این فضا با روایاتی از درد و رنج و قهرمانی

همراه با بیماری در حال گسترش است. اپیدمی موجب همدردی میان مردم کشورهای پیشرفته و فقیر شده و دنیا کوچکتر و صمیمی‌تر به نظر می‌رسد. همچنین دریچه‌ای را برای ایجاد راه‌ها و نهادهای جدید از جمله اقدامات مؤثرتر برای متوقف کردن روند نابرابری باز می‌کند. ممکن است انگیزه‌ای برای ایجاد مؤسسات بین‌المللی جدید پیدا کنیم که پس از اتمام این فضا همچنان پابرجا باشند.

***خطر واقعی؛ بهره‌سیاستمداران از ترس و رعب**

گیتا گوپیناس: خطر واقعی این است که تغییرات ارگانیک و شخصی (دور شدن مردم از شرایط جهانی شدن) توسط برخی سیاستگذاران که از ترس از مرزهای آزاد سوءاستفاده می‌کنند، مورد بهره‌برداری سیاسی قرار گیرد. آن‌ها می‌توانند محدودیت‌های حمایت گرایانه تجارت را به واسطه خودکفایی تحمیل کرده و حرکت مردم را به بهانه بهداشت عمومی محدود کنند. اکنون این دست رهبران جهانی است که از این نتیجه جلوگیری کرده و روحیه وحدت بین‌المللی را که بیش از ۵۰ سال در ما پایدار مانده را حفظ کنند.

***میخی دیگر بر تابوت جهانی شدن**

کارمن رینهارت: چرخه جهانی سازی مدرن از زمان بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ با ضرباتی روبرو بوده است همانند بحران بدهی اروپا، برگزیت و جنگ تجاری ایالات متحده و چین. ظهور پوپولیسم در بسیاری از کشورها تعادل را به نفع کشور و سرزمین خود برقرار می‌کند. عالم‌گیری اولین بحران از ۱۹۳۰ است که اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه را درگیر خود کرده است. مانند دهه ۱۹۳۰ پیش فرضهای حاکمیتی احتمالاً افزایش می‌یابد، فراخوان‌ها برای محدود کردن تجارت و گردش سرمایه خاک بارور و زمینه مساعد خود را در چنین شرایط بدی پیدا می‌کند.

***بدتر شدن شرایط موجود اقتصادی**

آدام پوسن: به لحاظ اقتصادی عالم‌گیری چند وضعیت در اقتصاد جهانی را بدتر می‌کند. اولین مورد از این شرایط رکود مادی است؛ ترکیبی از رشد بهره‌وری کم، عدم بازدهی سرمایه‌گذاری خصوصی. این امر باعث می‌شود که افراد از ریسک‌پذیری خودداری کرده و در ادامه موجب صرفه جویی بیشتر و کاهش تقاضا و نوآوری شود. دوم گسترش شکاف بین کشورهای ثروتمند (به همراه چند بازار نوظهور) و سایر نقاط جهان در مقاومت در برابر بحران‌ها است. ناسیونالیسم اقتصادی به طور

فزاینده‌ای دولت‌ها را به کنار کشیدن اقتصادهای خود از سایر نقاط جهان سوق خواهد داد. سوم، تا حدودی در نتیجه جهش به سمت محفوظیت و خطرپذیری ظاهری اقتصادهای در حال توسعه جهان همچنان برای تأمین اعتبار و تجارت به دلار آمریکا متکی است. حتی در حالی که ایالات متحده برای سرمایه گذاری کُشش کمتری داشته باشد؛ جذابیت آن نسبت به سایر نقاط جهان بیشتر می‌شود که این منجر به نارضایتی مداوم خواهد شد.

***جهان کلید رهایی را در دست بانکداران مرکزی می‌بیند**

اسوار پرزاد: بانکداران مرکزی که زمانی محتاط و محافظه کار به حساب می‌آمدند نشان داده‌اند که می‌توانند در مواقع ناامید کننده با چابکی، جسارت و خلاقیت رفتار کنند. حتی وقتی رهبران سیاسی مایل به هماهنگی سیاست‌ها در مرزها نیستند، بانکداران مرکزی می‌توانند با هماهنگی عمل کنند. اکنون و البته برای مدت زمان طولانی بانک‌های مرکزی به عنوان اولین و اصلی‌ترین خطوط دفاع در برابر بحران‌های اقتصادی و مالی قرار گرفتند.

***عدم بازگشت اقتصادی به وضعیت نرمال**

آدام توز: با شروع بحران اولین تکان‌ها جستجوی قیاس‌های تاریخی در ۱۹۱۴، ۱۹۲۹، ۱۹۴۱ بود، اما شرایط کنونی متفاوت است. بسیاری از کشورها نسبت به آنچه که قبلاً تجربه کرده بودند با شوک اقتصادی بسیار عمیق تری روبرو هستند. با ماندگاری این اوضاع زخم‌های اقتصادی عمیق‌تر می‌شوند و بهبودی کندتر. آنچه فکر می‌کردیم از اقتصاد و امور مالی می‌دانیم به شدت آشفته شده است. از شوک مالی ۲۰۰۸ بحث‌های بسیاری درباره لزوم حساب کردن عدم قطعیت‌های اساسی مطرح شده اکنون می‌دانیم که عدم قطعیت واقعاً چیست. اگر واکنش مشاغل و خانوارها دفع خطر و جهش به سمت ایمنی باشد، این امر نیروهای رکود را پیچیده‌تر می‌کند. اگر پاسخ عمومی به بدهی‌های انباشته شده از بحران ریاضت اقتصادی باشد، این امر اوضاع را بدتر می‌کند. عاقلانه‌تر این است که در عوض خواستار یک دولت فعال‌تر و روشن‌گراتر برای رهبری راه برون رفت از بحران کنونی باشید، اما سؤال این است که این اقدام چه شکلی خواهد گرفت و نیروهای سیاسی چگونه آن را کنترل خواهند کرد.

***شغل‌هایی که باز نمی‌گردند**

لورا داندیره تایسون: عالم‌گیر و بهبودی پس از آن باعث تسریع روند دیجیتالی شدن و اتوماسیون مداوم کار می‌شود؛ روندهایی که ضمن افزایش مشاغل با مهارت بالا در طی دو دهه گذشته باعث از بین رفتن شغل‌های کم مهارت و به رکود دستمزدهای متوسط و افزایش نابرابری درآمدی می‌انجامد. شغل‌های با درآمد پایین، کم مهارت، به‌خصوص مشاغل بنگاه‌های کوچک حتی با بهبودی اوضاع برنخواهند گشت. تغییر در تقاضا که بسیاری از آن‌ها با جابه‌جایی اقتصادی انجام شده به‌واسطه این بیماری تسریع یافته و ترکیب آینده تولید ناخالص داخلی را تغییر می‌دهند. سهم خدمات در اقتصاد همچنان رو به افزایش خواهد بود، اما سهم خدمات حضوری در خرده فروشی، مسافرت، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و دولتی کاهش می‌یابد، زیرا دیجیتالیسم در نحوه سازماندهی و ارائه این خدمات تغییراتی ایجاد می‌کند. رکود باعث تسریع در رشد اشتغال غیر استاندارد و کوتاه مدت، کارگران پاره وقت و کارگران با کارفرمایان متعدد شده که در نتیجه سیستم‌های جدید مزایا انتقال‌پذیر و دستی می‌شود که با کارگران حرکت می‌کند و تعریف کارفرما را گسترده‌تر می‌کند. برنامه‌های آموزشی کم هزینه دیجیتالی برای مهارت سازی مشاغل جدید لازم است، وابستگی ناگهانی افراد زیادی به توانایی کار از راه دور، ضرورت گسترش زیرساخت‌ها و پهنای باند برای تسریع در دیجیتالی شدن فعالیت‌های اقتصادی را یادآوری می‌کند.

***جهانی سازی حول محور چین**

کشور محبوبانی: این عالم‌گیری به تغییری آغاز شده بر مبنای دوری از جهانی شدن آمریکا محور و نزدیکی به جهانی شدن چین محور شتاب می‌دهد، اما پرسش این است چرا این روند ادامه خواهد یافت؟ برعکس چین اعتماد آمریکا به جهانی سازی و تجارت بین‌المللی از بین رفته است. اگر به دلایل تاریخی رجوع کنیم، رهبران چینی اکنون به خوبی می‌دانند که عصر تحقیر چین از ۱۸۴۲ تا ۱۹۴۹ نتیجه خودبرتر پنداری و تلاش بیهوده رهبران این کشور برای بریدن از این جهان بود. در عوض چند دهه گذشته تجدید حیات اقتصادی نتیجه پیوند جهانی بود. مردم چین همچنین تجربه اعتماد و اعتقاد عظیم فرهنگی را دارند و بر این باورند که توانایی رقابت در هر مکان و عرصه‌ای را دارند. از این رو ایالات متحده دو گزینه دارد. اگر هدف اصلی آن حفظ برتری جهانی باشد مجبور است با چین در حوزه ژئوپلیتیک برد-باخت، چه از نظر سیاسی و چه اقتصادی رقابت کند و اگر هدف بهبود رفاه مردم آمریکا است با وضعیت اجتماعی که رو به وخامت گذاشته باید با چین

همکاری کند؛ هر چند امکان موفقیت این همکاری پایین است.